



بنفشه مسعودی

طراح و صفحه‌آرا که کارهای زیبا و جذابش زینت‌بخش کتاب‌های نشر نقطه بوده است. بنفشه مسعودی دستی هم در کار پژوهش تاریخ‌چپ و جنبش زنان داشته و در این زمینه چندین مقاله و یک کتاب خواندنی را در کارنامه‌اش دارد؛ کتاب *پیک سعادت نسوان* (با همکاری ناصر مهاجر). او نه تنها در تدارک و تهیه‌ی کتاب *باقر مؤمنی، رهروی در راه بی‌پایان* نقشی مهم داشت و چند نوشته و مصاحبه در این کتاب دارد، بلکه در آرایش و پیرایش این کتاب توانایی هنرمندانه‌ی خود را بیش از همیشه به نمایش گذاشته است.

مؤمنی آرشیویست

می‌دانیم رهروی در *راه بی‌پایان*، تلاشی است برای مرور زندگی پُربار باقر مؤمنی در زمینه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، ادبی، روزنامه‌نگاری و ترجمه. این تنوع در کار، موجب روابط گسترده‌ی او با بسیاری از چهره‌های سیاسی ترقی‌خواه و روشنفکران نامدار ایران شده است. روابط گسترده‌ای که برای حفظ آن‌ها وفاداران کوشیده است؛ نه تنها در حضر بلکه در سفر. وقتی خودش به سفر می‌رفت نامه‌نگاری را از یاد نمی‌برد و وقتی دوستانش به سفر می‌رفتند آن‌ها را وامی‌داشت که برای او نامه بنویسند. به این نامه‌نگاری‌ها دلبستگی فراوان داشت. نشانه‌هایی از این دلبستگی را پیش از آغاز کار رهروی در *راه بی‌پایان* دیده بودم. به طور مشخص وقتی نامه‌های بزرگ علوی (در خلوت دوست، آلمان ۱۳۶۵) و در پایان کتاب *یک گفتگوی خودمانی* (آلمان ۱۳۸۶) را به چاپ رساند. یا چند نامه از دکتر رضا رادمنش را در کتاب *راهیان خطر* (پاریس ۱۳۸۵)، یا نامه‌های احسان طبری و حمید مؤمنی در کتاب *همراه با انقلاب* (آلمان ۱۳۸۹) و همچنین نامه‌های ناصر زربخت که در کتاب *گذر از برزخ* به همت ناصر مهاجر انتشار یافته است.

با توجه به اهمیت نامه در تاریخ‌نگاری، هنگامی که بنابه درخواست ناصر مهاجر، باقر مؤمنی در همان آغاز راه تهیه و تدارک رهروی در *راه بی‌پایان*، آرشیو نامه‌های دوستان خود را در اختیار ما گذاشت؛ تازه آن وقت بود که واقعاً پی بردیم با چه گنجینه‌ی بکری روبه‌رو هستیم. گنجینه‌ای جاندار. چرا که شماری از نامه‌ها نبض دوران، لحظه‌ها و رویدادهای تاریخی‌ای را که نویسنده به هنگام نوشتن آن می‌زیسته بر ما می‌نمایاند و شفاف و زلال به شرح وضعیت اجتماعی و مشکلات اقتصادی و حتا روحی جامعه‌ی

خود می‌پردازد. برداشت‌های حسی و عاطفی و شکل‌های گوناگون فضای سنگین دوران دیکتاتوری شاه و پس از آن، جمهوری اسلامی پیش چشم خواننده نمایان می‌شود. خلاصه اینکه نامه‌ها دریچه‌ای است بر روابط انسانی نسلی دردمند برای ساختن جهانی بهتر.

و باید گفت شگفت‌زده شدیم از دیدن نظم و ترتیب کم‌نظیری که باقر مؤمنی برای حفظ و نگهداری این نامه‌ها به کار برده است. برای نامه‌های هر یک از دوستانش و همه‌ی کسانی که با آن‌ها نامه‌نگاری داشته، پوشه‌ای جداگانه درست کرده است. نامه‌ها را به ترتیب تاریخ نگارش‌شان در این پوشه‌ها جای داده است. اگر نامه‌ای بدون تاریخ به دستش رسیده، در حاشیه‌ی نامه، تاریخ دریافت آن را یادداشت کرده است. برخی از پوشه‌ها یادداشت توضیحی دارند که برای فهم سوژه‌ی پرس‌وجو بسیار مفید و روشنگر است. ناگفته نماند که این نظم و ترتیب خاص و برای من ستایش‌برانگیز را باقر مؤمنی نسبت به تمام اسناد و مدارک شخصی‌اش نیز به کار برده است. از فتوکپی شناسنامه تا تمام مدارک تحصیلی، از بریده‌ی جراید تا چرکنویس نوشته‌های قدیمی‌اش. از همین رو هرگاه درباره‌ی تاریخ رویدادی تردید داشتیم و یا به تدقیق موضوعی نیاز پیدا می‌کردیم به آرشیو آقای مؤمنی مراجعه می‌کردیم و بیشتر وقت‌ها هم پاسخ خود را می‌یافتیم.

یکی از پوشه‌های بسیار مهم این مجموعه، نامه‌نگاری‌های باقر مؤمنی با شماری از نسل جوان پس از کودتای ۲۸ مرداد است؛ نسل جوینده! اکثر این نامه‌ها در دهه‌ی چهل و پنجاه خورشیدی ردوبدل شده است، کمی پیش و پس از سیاه‌کل و مبارزه‌ی چریکی علیه رژیم شاه. این جوانان که در ابتدای کارهای خلاقه‌ی ادبی و هنری بودند و هرکدام‌شان بعدها از نام‌آوران فرهنگ و هنر و سیاست در کشور ما شدند؛ برای این کمونیست مستقل هنوز حاضر در صحنه، حساب خاصی باز کرده بودند. با خواندن نامه‌هاست که پی می‌بریم رفتار باقر مؤمنی با این جوانان چگونه بوده و چرا آن‌ها با اعتماد کامل و بدون پرده‌پوشی، افکار و عقاید و دغدغه‌های ذهنی خود را با او در میان می‌گذاشتند. آن‌ها نامه‌شان را گویی برای یکی از دوستان هم‌سن و سال‌شان نوشته‌اند، نه برای باقر مؤمنی، کمونیستِ قدیمی و پژوهشگر شناخته شده‌ای که اختلاف سنی زیادی با آنان دارد و از نسل دیگری است! نامه‌های علی‌اشرف درویشیان و منصور یاقوتی نمونه‌های مشخص و روشنگری‌ست که در کتاب رهروی در راه بی‌پایان آمده است. علی‌اشرف درویشیان در نامه‌ای به تاریخ آبان ۱۳۵۲ می‌نویسد:

«بعضی وقت‌ها بعضی‌ها را آن‌قدر دوست دارم که گلویم می‌گیرد. گلویم به درد می‌آید. غصه‌ام می‌شود و شما هم یکی از آن افراد هستید. اگر برای مسائلی بود که امروزه بیشتر حضرات مثلاً روشنفکر به آن خاطر دور هم جمع می‌شوند، هرگز به‌گرد تو نمی‌پلکیدم...»

همان طور که اشاره شد، نامه‌نگاری‌های باقر مؤمنی با دوستانش و یا کسانی که با آن‌ها دوستی نداشته، بلکه در اهلیت‌شان در آن موضوع ویژه تردید نداشته، طیف گسترده‌ای از مسائل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. گاه می‌بینیم نامه، در پاسخ به پرسش‌های مشخص باقر مؤمنی درباره‌ی یک حادثه‌ی تاریخی نوشته شده است؛ مانند نامه‌های دکتر غلامحسین فروتن و یا محمد علی جمال‌زاده که باقر مؤمنی از اطلاعات و داده‌های آن‌ها در نوشته‌ها و نقدهای خود استفاده کرده است. نامه‌هایی هم هست که بیشتر گزارش‌گونه‌اند. گزارش اوضاع سیاسی ایران و جهان؛ و یا انتشار کتاب‌ها و نشریه‌های ادبی تازه و یا برگزاری و نشست‌های سیاسی و فرهنگی، و یا حال و روز دوستی دیرین. هرچه بیشتر پوشه‌های نامه‌های باقر مؤمنی را برمی‌رسیدیم، بیشتر در می‌یافتیم که باید یک یک نامه‌ها را به دقت بخوانیم، دسته‌بندی موضوعی کنیم و سپس به انتخاب نامه‌هایی برآیم که گوشه‌ای از زندگی و زمانه‌ی باقر مؤمنی را برمی‌نمایاند. کاری بسیار زمان‌بر و گزینشی بس دشوار. همان طور که آقای مهاجر در پیش‌گفتار کتاب رهروی در راه بی‌پایان به دقت شرح داده‌اند، نامه‌ها با اینکه حاوی مسائل شخصی و خصوصی هم هستند، اما نباید آن‌ها را در مقوله‌ی نامه‌های خصوصی جای داد. بارها و بارها با خواندن پوشه‌ای از نامه‌ها به خود می‌گفتیم: ای کاش می‌توانستیم همه‌ی این نامه‌ها را انتشار دهیم. آرزویی است دلکش که گمان ندارم به این زودی بتوان آن را تحقق بخشید. کاری است کارستان. توضیح می‌دهم:

در نامه‌ها بیشتر افراد با نام کوچک‌شان آمده‌اند. با مراجعه به آقای مؤمنی توانستیم برخی از آن‌ها را شناسایی کنیم. اما شناسایی بسیاری هم ممکن نشد؛ چرا که بر اثر مرور زمان از خاطر رفته‌اند. با پرس‌وجو و گاه پژوهش پیرامون موضوع، حدس‌هایی می‌زدیم و سپس با آقای مؤمنی به بحث و گفتگو می‌نشستیم که حافظه‌ی ایشان را فعال کنیم و به شناسایی فرد برسیم. گاه موفق می‌شدیم و گاه ناموفق! در این صورت ناگزیر بودیم حافظه‌ی جمعی را فعال کنیم و یا به روزنامه و نشریه‌های سال‌های دور نگاه کنیم. آنگاه درباره‌ی شخصیت‌ها و رویدادهایی که به شکل‌گذرا در نامه‌ها آمده‌اند، باید توضیحی نوشته می‌شد و در پانوشته می‌آمد. این مهم را ناصر مهاجر با وسواس زیاد به انجام رسانده است. نامه‌های صارم‌الدین صادق‌وزیری که یکی از دوستان بسیار نزدیک و یاران سیاسی باقر مؤمنی بود، از جالب‌ترین و جامع‌ترین مکتوبات این مجموعه است. زنده‌یاد صادق‌وزیری نه تنها درباره‌ی خواننده‌ها و نوشته‌هایش می‌نوشت؛ بلکه به تحلیل وقایع سیاسی ایران و جهان می‌پرداخت. به خصوص به نقد و کزیتیک نوشته‌های باقر مؤمنی که در خارج از کشور و در نشریه‌های گوناگون منتشر می‌شد هم می‌نشست.

با خواندن نامه‌های زنده‌یاد پوری سلطانی پی می‌بریم که چگونه باقر مؤمنی با پیگیری خاصی به دنبال

نوشته‌های منتشر شده‌اش در نشریات حزبی دهه سی بود و خانم سلطانی با چه محبتی هرکدام را می‌یافت و برایش می‌فرستاد. این نوشته‌ی کوتاه را باید با پاره‌ای از نامه‌ی پوری سلطانی به پایان رسانم؛ نخستین زنی که کتابداری حرفه‌ای در ایران را رایج ساخت و یکی از خصوصیات مشترکی که با باقر مؤمنی داشت، علاقه به سند و ضرورت ساماندهی بایگانی مدرن بود و در این زمینه، یک استاد مسلم. در نامه‌ای به تاریخ آبان ۱۳۶۸ پوری سلطانی می‌نویسد:

«در نامه‌ات سه تا مطلب از من خواسته بودی که دوتای آن را تهیه کرده‌ام و به پیوست همین نامه برایت می‌فرستم... نسخ چاپی و نشریات ادواری همه در ساختمان ۳۰ تیر مستقر است. بنابراین دسترسی به مجموعه، برای ما چندان ساده نیست. به خصوص که در رأس نشریات ادواری یکی از همین عقب‌افتاده‌های انجمن به اصطلاح اسلامی است و معلوم است که علاقه و سرعتش به سرویس دادن تا چه حد است. با این همه من مطالب مورد نیاز را توسط دوستان دیگری که در آنجا دارم تهیه می‌کنم. تمام نامه‌هایی که از خارج به ما می‌رسد و تقاضای مطلبی یا اطلاعی را دارند، من با همین تدابیر من بمیرم تو نمیری تهیه می‌کنم و می‌فرستم. الان نمی‌دانم چطور شده که مطلب سوم تو یعنی «جنگل مولا» را برای من فرستادند. فکر کردم فعلاً این دو تا را برایت بفرستم که بدانی به فکر و به یادت بوده‌ایم و بوده‌ام تا بعد دنبال مطلب سوم بروم.»

به نظر می‌رسد نامه‌نگاری‌ها با آمدن پست الکترونیکی و ایمیل به مرحله‌ی دیگری پای گذاشته که کم‌وکیفش بر من روشن نیست. تا جایی که به موضوع این نوشته مربوط می‌شود باید بگویم، از زمانی که اینترنت در دسترس عموم قرار گرفته است، دیگر چیزی به آرشیو نامه‌های آقای مؤمنی افزوده نشده است. از خود می‌پرسم با نامه‌نگاری اینترنتی تا چه حد می‌توانیم از نامه استفاده‌ی بهینه کنیم؟ آیا افراد آرشیو نامه دارند؟ آیا صندوق‌های پست الکترونیکی که گاه باید به خاطر کمبود جا آن را خالی کرد و یا خرابی کامپیوتر و و... امکان دسترسی ما را به مکاتباتی از این دست از بین نخواهد برد؟ به هر حال تنها موقعی می‌توان چنین گنجینه‌ای ساخت که روش کار باقر مؤمنی را در آرشیو کردن نامه‌هایش این بار با استفاده از کامپیوترهای خصوصی به کار بندیم و از او بیاموزیم در کنار درس‌های دیگری که به ما داد.